

تاریخ و رجال



حج

در آیین یهود



ماجده مؤمن / محمد تقی رهبر



یهودیان به اشکال مختلف با نوعی از مراسم حج سروکار دارند و به این منظور رهسپار اماکن متعددی می‌شوند. هر فرقه‌ای راه ویژه‌ای برای خود برگزیده است و در اعیاد مخصوص، آهنگ حج آن اماکن می‌کنند و با مذهب و تعالیم و عقاید خاص و اوامر و نواهی ویژه‌ای به انجام آن مراسم می‌پردازند.

اندیشه حج برای یهودیان، امر جدیدی نیست بلکه پیشینه طولانی دارد. آن دسته از یهودیان که پیرو آیین ابراهیم علیه السلام بوده‌اند، حج را به سوی بیت‌الله الحرام انجام می‌داده‌اند و آنان که از اقوام سامی بودند، به سوی معابد و هیاکل و ابنیه و آثار و قبور مردگان که - در حج تمدن‌ها دیدیم -^۱ به انجام مراسم حج می‌پرداخته‌اند.

به نظر می‌رسد که حج یهود یک فریضه دینی بوده که تورات بر آن‌ها واجب نموده است.

این مطلب را در نوشتاری اینگونه می‌خوانیم:

است. در «سفر خروج» فصل بیست و سوم، فقره چهاردهم آمده است: «در هر سال سه مرتبه برای من عید بگیرید» و در آیه سی و سوم از فصل سی و چهارم

«حج به سوی یکی از معبدها، یک رسم دیرینه سامی است که حتی در اجزای قدیمی اسفار پنجگانه موسی، به عنوان یک فریضه دینی عنوان شده

آمده است: «در هر سال سه مرتبه همهٔ مردان باید در برابر خدای بزرگ، خدای اسرائیل ظاهر شوند.» و در سرزمین‌های عربی نیز اماکن بسیاری وجود داشته که در آن اماکن مراسمی همچون حضور در عرفات صورت می‌گرفته است.»^۲

در هر یک از اعیاد سه گانه، فرقه‌های یهود به اماکن معینی آهنگ حج می‌کردند. در روز «استغفار» (عید مظال^۳) به سوی کوه سینا حج می‌کرده و در عید «فصح» به بیت المقدس و در عید «استیر» و «عید باران» و... به اماکن دیگری رهسپار می‌شدند که ان شاء الله در خلال بحث‌های آینده خواهد آمد.

با این حال، از تحقیق و تفحص در تورات، مکان خاصی را پیدا نمی‌کنیم که از زبان پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام، حج همانند یک دستور الهی آمده باشد. و جای این پرسش است که: آیا خداوند برای یهودیان حج به مکان مخصوصی را واجب نساخته است یا اینکه راویان و نویسندگان متون دینی توراتی، آن را از قلم انداخته‌اند یا به عادت معروف قوم یهود که تورات را تحریف می‌کردند آن را نیز تحریف نموده‌اند؟!

بدین جهت است که اماکن حج

متعدد شده و کوچ یهودیان در اعیاد سالانه به نقاط مختلف بوده و هر مکان عبادتی را با عنوان «بیت» می‌نامیده‌اند که در ازمنهٔ مختلف محل برگزاری حج آنان بوده است؛ مثلاً در «بیت المقدس» «بیت ایل» «بیت آون» که در نزدیکی بیت ایل بوده و «بیت اصل» در یهودا و «بیت حور» نزدیکی قدس و «بیت هاجن» در جایگاه تولد عیسی علیه السلام در «بیت لحم» و «بیت هاشطه» و سایر بیوت که شمارش آنها به درازا می‌کشد و می‌توان به کتاب مقدس در عهد جدید و قدیم مراجعه کرد که در آن جا درج شده است.

در خصوص زمان حج یهودیان «دکتر حسن ظاظا» می‌نویسد:
«اوقاتی که در آن حج می‌کنند همزمان با اعیاد آنهاست و اینها سه زمان است:

۱. عید فصح، که در فصل بهار واقع شده و مدت آن هفت روز است و از روز پانزدهم نisan به تقویم یهودی آغاز می‌شود.

۲. «عید حصاد» یا «اسایع»، (شبعوت) که مدت آن یک روز است مصادف با ششم ماه سیوان به تقویم





یهودی که در اوایل تابستان (یونیه) قرار گرفته است.

۳. «عید ظل»، (سرکوت) که مدت آن هشت روز است و در پاییز قرار دارد و از روز پانزدهم ماه «تشرین» یهودی آغاز می‌گردد. موسم‌های سه‌گانه یاد شده را سه عید می‌نامند که حج در آن‌ها مستحب است و با صدقات بسیاری همراه می‌گردد.^۴

حج حضرت موسی علیه السلام

ضروری و مناسب است که بدانیم حضرت موسی علیه السلام چگونه حج می‌کرد. پیش از آنکه به تحریر شریعت موسی علیه السلام به وسیله یهودیان پردازیم.

هرگاه در اخبار و روایات و احادیث وارده از سنت شریفه تتبع کنیم، خواهیم دید که موسای کلیم بر خلاف حج پیامبران سلف حج نکرده‌اند. آن پیامبر گرامی نیز به سوی بیت الله عتیق حج کرده و طواف نموده و تلبیه گفته، به گونه‌ای که پدران و نیاکانش که پیام‌آوران حق و فرمانبرداران دستورات آسمانی بوده‌اند، حج کردند. این مطلبی است که روایات حج پیامبران بر آن تأکید می‌ورزد.

اکنون به چند مورد اشاره می‌کنیم: ابن عباس گوید: «در محضر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودیم، مسافت میان مکه و مدینه را می‌پیمودیم که به یک وادی رسیدیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نام این وادی چیست؟ پاسخ دادند: «وادی ازرق» فرمود: گوئیا می‌نگرم موسی علیه السلام را که با گیسوان بلند در حالی که انگشتان دستش را در گوش‌ها نهاده بود و تلبیه حج می‌گفت، از این وادی می‌گذشت و آهنگ حج مکه مکرمه و کعبه مشرفه را داشت.»^۵ همچنین از حضرت ابی جعفر، باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «موسی بن عمران علیه السلام با گروهی مرکب از هفتاد تن از پیامبران به قصد حج از گذرگاه «روحاء» عبور می‌کرد در حالی که می‌گفت: «لَبَّيْكَ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ».^۶ و نیز از قول آن حضرت نقل شده که: «موسی علیه السلام از رمله مصر محرم شد و از «صفائح الروحاء» با حالت احرام گذشت و بر ناقه‌ای سوار بود که مهار آن از برگ خرما بود و دو جامه قطوانی (سفید) بر تن داشت و تلبیه می‌گفت و کوه‌ها او را در تلبیه همراهی می‌کردند.»^۷ و نیز از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «موسای پیامبر صلی الله علیه و آله از صفائح

روحاء عبور کرد و بر شتر سرخ موی سوار بود که افسار آن از برگ خرما بود و دو جامه قبطوانی (سفید و کوتاه) در برداشت و می گفت: لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».^۸

و از رقی گوید: «پیامبر خدا، موسی علیه السلام بر شتر سرخ موی سواره حج کرد و به روحاء گذشت و دو جامه قبطوانی در برداشت که یکی را به صورت لنگ بست و دیگری را بر دوش افکند و طواف خانه کرد و سپس سعی صفا و مروه نمود و در حالی که صفا و مروه را سعی می کرد، ندایی از آسمان شنید که می گفت: «لَبَّيْكَ عِبْدِي أَنَا مَعَكَ» و موسی علیه السلام با شنیدن این ندا به خاک افتاد و سجده کرد».^۹

حضرت موسی علیه السلام از پیامبران اولوالعزم بود و امکان نداشت از طریق حج صحیح منحرف گردد و به راهی که جز رضای خداوند است، ره بسپارد. بنابراین، انحراف هایی که در حج یهود رخ داده، عملکرد پیروان موسی علیه السلام است که به تعالیم و اوامر خداوند ملتزم نشده و در نتیجه به انحراف گراییدند و عقوبت گناهانشان را دیدند و به خفت و ذلت موسوم شدند؛ آن گونه که خداوند در

قرآن کریم فرمود:

﴿...ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَ بَاؤُا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾^{۱۰}

«نشانه ذلت و بدبختی بر آنان زده شد و مشمول خشم خدا شدند؛ چرا که نسبت به آیات خدا کفر ورزیدند و پیامبران را به ناحق کشتند، از آن رو که به تبهکاری و تجاوز گرویدند.»

انحراف یهود در حج

یهودیان سنت پیامبرشان، موسی کلیم الله را - که در حج به خانه خدا توجه داشت - پیروی نکردند و چنانکه گفتیم، بیشتر تعالیم شریعت موسی و از جمله حج را تحریف کردند. گفتنی است که در حال حاضر حج از دیدگاه یهودیان واجب نیست و از ارکان عبادات آنها به شیوه ای که در اسلام دیده می شود، به شمار نمی آید و حداکثر به عمره مسلمانان شباهت دارد.^{۱۱}

پس از کلیم علیه السلام یهود به فرقه های مختلف درآمدند و هر فرقه ای شیوه ای را برای حج برگزید و مکانی را برای





آداب و مراسم حج انتخاب کرد؛ به عنوان مثال:

۱. گروهی از آن‌ها آهنگ بیت المقدس و هیکل سلیمان نمودند.
 ۲. گروهی به کوه طور سینا رفتند.
 ۳. برخی «بئر حئ» واقع در نزدیکی شهر الخلیل را برگزیدند.
 ۴. برخی دیگر به اماکن متبرکه به تعبیر آنها، که مهم‌ترین آنها کوه‌های برافراشته و تپه‌ها و چاه‌های آب و اماکن دیگر طبیعی است، رفتند.
- و اکنون به توضیح کوتاهی در باره این اماکن می‌پردازیم:

حج به بیت المقدس

بیت المقدس یا قدس از اهمّ اماکن مقدس نزد یهود است. همچنین این مکان مقدس از نگاه مسیحیان و مسلمانان مورد احترام است، از این‌رو حج بیت المقدس از قدرت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

یهودیان به ویژه فرقه «یهودا» که از داود و سلیمان تبعیت می‌کنند، برای بیت المقدس به ویژه پس از بنای هیکل معروف در قدس شریف به دست حضرت سلیمان علیه السلام، احترام خاصی قائل‌اند.

قداست بیت المقدس از نظر یهودیان مقارن با بنای هیکل سلیمان است. هیکل سلیمان معبد مرکزی یهود بود که حرم حج و قبله نماز آنها از زمان داود و سلیمان به شمار آمده است. این معبد بزرگ در رهگذر تاریخ رو به ویرانی نهاده و امروزه جز بخشی از دیوار اصلی آن نمانده است که یهودیان آن را «دیوار غربی» می‌خوانند و دیگر امت‌ها به نام «دیوار سوگواری». این دیوار بخشی از حصار است که در عهد هیرودیس بنا شده که هم عصر تولّد عیسی علیه السلام بوده است.^{۱۲}

قدس شهری است در نقطه مرکزی فلسطین که بر فراز تپه‌ای از سنگ، به ارتفاع ۷۶۲ متر قرار گرفته و با شهر «یافا» که شهر جدید البنایی است، تقریباً پنج کیلومتر فاصله دارد.

بیت المقدس از نظر پیروان آیین‌های یهود و مسیحی و اسلام مورد تقدیس و احترام است و مقدسات آیین‌های سه‌گانه در این شهر تاریخی قرار دارد. یهودیان عقیده دارند که یکی از دیوارهای مسجد الاقصی با سنگ‌هایی ساخته شده که از هیکل سلیمان برجای مانده و همان دیوار



آمده تفاوت بسیار دارد. تورات به قربانی کردن گاو فرمان می‌دهد.^{۱۶} اما رسالهٔ دینی آنها قربانی کردن انسان را توجیه می‌کند! بدینگونه در عید فصیح قربانی از کودکانی انتخاب می‌شود که بیش از ده سال ندارند و یا کمی بیش از ده سال داشته باشند. خون این قربانی را با خمیر می‌آمیختند و بدان تبرک می‌جستند.

یهودیان خون قربانی را به طرق گوناگون بیرون می‌کشند. گاهی قربانی را به صورت زنده در بشکه‌ای قرار می‌دهند که در اطراف آن بشکه، سوزن‌هایی به داخل تعبیه شده که بر بدن قربانی فرومی‌رود و خون از آن سوزن‌ها جاری می‌گردد و قربانی با عذاب و شکنجه جان می‌سپارد و در این حال یهودیان از لذت سرمست می‌شوند^{۱۷} و گاه شریان‌های قربانی را از چند موضع پاره می‌کنند تا خون از رگ‌ها بیرون پاشد و گاه کودک را همانند گوسفند قربانی می‌کشند و خون آن را به نحوی که اشاره شد می‌گیرند و به حاخام یا کاهن یا ساحر می‌دهند تا در تهیهٔ فطیرهای مقدس یا عملیات سحر از آن استفاده کند.^{۱۸}

زمان برگزاری حج یهود در بیت

معروف به دیوار سوگواری است. شاید این شهر همان شهری باشد که در سفر تکوین تورات به نام «شلیم» از آن یاد شده که داود پس از خارج ساختن آن از دست «یبوسیان»^{۱۳} پایتخت خود گرفت و سلیمان هیکل عظیم را در آن ساخت و بر عظمت و شکوه آن افزود و پادشاهان یهودا آن را مقر سلطنت خود قرار دادند و بسیاری از پیامبران بنی‌اسرائیل آنجا ظهور کردند و به ترویج شریعت خود پرداختند. گویند: «هر وجب از این سرزمین جایگاه نماز پیامبری بوده است».^{۱۴}

اعراب با یهودیان جنگیدند تا بیت المقدس قدیم را از چنگال آنها برهاند و یهودیان ناگزیر از این شهر عقب نشینی کردند، لیکن شهر جدید بیت المقدس همچنان در قبضه آنهاست.^{۱۵}

خلاصه آنکه: فرقهٔ یهودا، بیت المقدس و هیکل سلیمان را محلّ برگزاری حج سالانه خود قرار داده و در عید سالانه موسوم به «عید فصیح» به برگزاری مراسم می‌پردازند. اهمّ مراسمی که در آنجا انجام می‌شود، قربانی است که تعالیم دینی آن‌ها به آنان توصیه کرده است و با آنچه در تورات



المقدس، روز چهاردهم ماه اول سال دینی آن‌ها، ماه نisan است که به مناسبت نجات موسی و بنی اسرائیل از فرعون و قوم و خروج از مصر جشن می‌گیرند.^{۱۹} ویل دورانت، دربارهٔ قربانی کردن کودکان می‌نویسد:

«پیشینیان یهود را همانند پاره‌ای از اقوام عادت بر این بوده که کودکی را قربانی کنند. این کار را دوست می‌داشتند تا بدینوسیله خشم آسمان را فرو نشانند! به مرور زمان ترجیح دادند این قربانی را از میان کودکان مجرم که به اعدام محکوم می‌شدند، برگزینند. بابلی‌ها به این قربانی جامه پادشاهی می‌پوشاندند تا به فرزند پادشاه شباهت پیدا کنند سپس به دار می‌آویختند و این کار در «رودس» و عید «کرونس» بود. گمان می‌رود که قربانی کردن گوسفند یا بزغاله در عید فصح در حقیقت تخفیف حکم قربانی بوده که با پیشرفت تمدن از قربانی انسان به قربانی حیوان تحوّل یافته است.»^{۲۰}

چنین به نظر می‌رسد که یهودیان در حال حاضر بزّه یا بزغاله‌ای را در حج بیت‌المقدس قربانی می‌کنند و انسان کشتی یهودیان به شیوه دیگری درآمده است!^{۲۱}

کوه موسی عليه السلام در صحرای سینا

یهودیان بر این باورند کوهی که در طور سینا واقع است و ۳۲۰ کیلومتر از منطقه «عیون موسی» فاصله دارد و ارتفاع آن به ۷۶۰۰ پا می‌رسد همان کوهی است که خدای تعالی با موسی عليه السلام در آن سخن گفت و الواح مقدس را بر او فرو فرستاد. از این رو یهود کوه سینا را طی قرن‌ها تقدیس کرده و آهنگ زیارت آن نموده و آن را از مقدسات خود شمرده است.

«منشه حاریل» استاد جغرافیای دینی و تاریخ ادیان در دانشگاه‌های عبری می‌گوید: «یهود همه ساله حج می‌گزارند. از قرن هفتم میلادی تا به امروز آهنگ زیارت کوه موسی را می‌کنند و برای رسیدن به این مکان، مشقت زیادی را متحمل می‌شوند و ۳۸۰۰ متر کوه پیمایی می‌کنند تا به قلّه آن برسند. آنها معتقدند که خداوند از بالای این کوه با موسی عليه السلام تکلم کرده و همو رسالت و وصایایی را دریافت نموده است.

این کوه برای آنان به مثابه کعبه برای مسلمانان است. عدد کسانی که از بیست میلیون یهودی مشقت حج این کوه را

تحمل می‌کنند، کم نیست این کوه به صورت یکی از اماکن مقدس یهود در آمده است.»^{۲۲}

نامبرده سپس به بیان بطلان این باور یهودیان پرداخته و در مقاله‌ای که در مجله المختار آلمان سال ۱۹۷۴ به چاپ رسیده، تصریح می‌کند: آنچه در گزارش هیأت اعزامی آمریکایی آمده درست است و نتایج حاصله با نتیجه تحقیق مرکزی وی هماهنگی دارد و می‌افزاید: کوهی که یهودیان به حج آن می‌روند، کوهی نیست که در آن جا خداوند با موسی سخن گفته است و هنگامی که دلیل عدم موافقت او را با انتشار رسمی این تحقیق می‌پرسند، پاسخ می‌دهد: اعلام اینگونه مباحث و دیگر حقایق تاریخی به احساسات دینی و باورهای آنها نسبت به اسطوره‌ای که به صورت یک عقیده در آمده است، لطمه خواهد زد.^{۲۳}

حقیقت این است که آنچه تورات در مشخصات و علائم کوه موسی علیه السلام ذکر می‌کند با آنچه در کوه مورد توجه یهود در حج سالانه دیده می‌شود، تفاوت دارد؛ مثلاً فاصله این کوه با «عیون موسی» و ارتفاع آن و دیگر علائم و

نشانه‌ها و توصیف آن منطقه به عنوان معادن فیروزه و مس، که یهودیان در آن تاریخ به صنعت و تجارت آن شهرت داشته‌اند.^{۲۴}

در حالی که کوه مورد توجه یهود در حج سالانه، از «عیون موسی» فاصله دارد و ارتفاع آن از کوه مذکور در تورات بیشتر است و مطالعات هیأت آمریکایی درباره آثار منطقه با آن وفق نمی‌دهد و معدن فیروزه و مس در آن جا وجود ندارد.

بنابراین اعتقاد اسطوره‌ای یهود درباره این کوه، یک بدعت آشکار است که هفت قرن پس از میلاد مسیح علیه السلام به وجود آمده، مانند آداب و تعالیم یهودی و تدوین تورات و نظائر آن. اما مناسک حج یهود به این کوه را از مقایسه‌ای که (هوتسما = Houtsma) میان وقوف مسلمانان به عرفات و کوچ بنی اسرائیل به کوه سینا نموده است، می‌توان بیان کرد. آنها از معاشرات با زنان خودداری

می‌کنند. (سفر خروج، فصل ۱۹، آیه ۱۵) آنها لباس‌های خود را برای این مراسم شست و شو می‌دهند (سفر خروج ۱۹/۱۰/۱۴) و در برابر خدا می‌ایستند همانگونه که مسلمانان از زن اجتناب





نموده و با جامهٔ احرام در برابر خالق
وقوف می‌کنند.^{۲۵}

از جمله مناسک این کوه، نوشیدن
آب از چشمهٔ موسوم به «شیلوه مقدس»
است که دعای خاصی دارد و روشن
کردن عبادتگاه و قربانی و آداب دیگر به
علاوه موسم آن که معمولاً «عید سایبان
بندی» یا «روز استغفار» است.^{۲۶}

طبیعی است که هنگام بحث از
معنای حقیقی این موسم، آن را با «عید
پاییز» یهودیان سامی شمال مقایسه کنیم.
عید سایبان بندی یا روز استغفار چیزی
است که در تورات آمده و غالباً با عبارت
اختصاری بر آن اطلاق «حج» می‌شود
(سفر القضاة، فصل ۲۱، فقره ۱۹ و...) و
(سفر شاهان نخستین، فصل هشتم،
فقره ۲ و ۶۵).^{۲۷}

«بئرالحی»، چاه مقدس

فرقهٔ دیگری از یهود، منطقه‌ای را
که چاه مقدس قرار دارد تقدیس می‌کنند
و به سوی آن حج می‌گزارند. این فرقه،
عقیده دارند که اینجا سرزمین جد
اعلایشان اسحاق فرزند ابراهیم خلیل علیه السلام
است که در آن شهر می‌زیسته و بدرود
حیات گفته است.

در تورات آمده است: پس از مرگ
ابراهیم علیه السلام خداوند مقام نبوت را به
پسرش اسحاق داد و اسحاق در کنار
«بئرالحی الرائی» اقامت گزید^{۲۸} و نیز در
تورات است که اسحاق در حیات پدر با
مردم این سرزمین وصلت کرد و مادر وی
ساره نام داشت. در خصوص ازدواج
اسحاق با ساره، تورات داستانی را آورده
که این مکان و آب چاه حی را در نگاه
یهود قداست خاصی بخشیده است.^{۲۹}

منطقهٔ «چاه حی» در نزدیکی شهر
الخلیل واقع است و الخلیل در ۴۴
کیلومتری بیت المقدس قرار دارد که
همان شهر «حبرون» قدیم است و قبر
ابراهیم خلیل علیه السلام و همسرش ساره و
اسحاق و یعقوب و «رفقه» همسر اسحاق
در آن است و مسجد و معبد بزرگی این
قبرها را دربرگرفته است.^{۳۰}

این پنج تن جایگاه خاصی در نظر
برخی یهودیان دارند و لذا قبرهایشان را
تقدیس نموده و به زیارتشان می‌آیند و
همچنین محلی است برای آهنگ حج و
وسیلهٔ تقرب به خدا و تقدیم قربانی و
نذورات و هدایا و خواندن دعا و گریه و
زاری برای برآمدن حوائج و نعیم بهشت
و تحصیل رضای خداوند.

دکتر حسن ظاطا، در باره حجّ این منطقه می نویسد: چاه «حیّ رائی» در نزدیکی الخلیل است که بسیاری از پارسایان یهود به حج آن می آیند و تا به امروز ادامه دارد؛ زیرا در تورات آمده است:

«پس از مرگ ابراهیم، خداوند اسحاق را مشمول کرامت خود قرار داد و اسحاق در کنار چاه حیّ رائی اقامت گزید و همانجا قبل از مرگ پدرش ابراهیم و مادرش ساره با رفقه ازدواج کرد».^{۳۱}

معبد «ایل» در نزدیکی نابلس^{۳۲}

فرقه دیگری از یهود موسوم به «فرقه سامری» این معبد را تعظیم می کنند. اینها به جز «سفرهای پنجگانه»، که بخشی از عهد قدیم است، ایمان ندارند و به رستاخیز و روز قیامت مؤمن نیستند؛ ابن حزم در کتاب ملل و نحل می نویسد: «آنها همه نبوت های بنی اسرائیل پس از موسی ﷺ و یوشع را تکذیب می کنند و شمعون و داود و سلیمان و اشعیا و الیسع و الیاس و عاموص و حبقون و زکریا و ارمیا و دیگر پیامبران را قبول ندارند. آنها می گویند شهر قدس همان نابلس است و هیجده میل با بیت المقدس

فاصله دارد. آنها برای بیت المقدس عظمت و حرمتی قائل نیستند. در شام زندگی می کنند و خروج از آنجا را جایز نمی دانند.^{۳۳}

معبد ایل که یعقوب آن را در کنعان بنا کرد، نزدیکی نابلس واقع شده که بنی اسرائیل به حج آن می آمده اند تا هنگامی که سلیمان در قدس هیکل را بنا نهاد و جایگاه آن معبد همچنان مورد توجه بود تا اینکه مملکت سلیمان پس از مرگش به دو بخش تجزیه شد:

۱. سامره شمالی، که مردم این کشور با خاندان داود و سلیمان در جنوب خصوصت داشتند و خود را اسرائیل می نامیدند و در حج آهنگ بیت ایل را می کردند.

۲. یهودا، که از نسل داود و سلیمان بودند و در حج آهنگ هیکل سلیمان در «اورشليم» را می کردند و این نامی است که از زمان سلیمان بدان اشتهار داشته است.^{۳۴}

و در این گذرگاه قبر یوسف قرار دارد و چاه یعقوب در نزدیکی آن واقع است.^{۳۵}

و اما قبله ای که فرقه سامره به سوی آن توجه دارند، کوهی است به نام





«غریزیم» که میان بیت المقدس و نابلس واقع است. می گویند خدای متعال داود را به ساختن بیت المقدس در کوه نابلس فرمان داد و این همان کوه طور است که خداوند در آنجا با موسی سخن گفت، سپس داود رهسپار «ایلیا» شد و آنجا «بیت ایل» را بنا نهاد و بدینسان مرتکب خلاف و ستم گردید.

سامریان به این قبله توجه دارند و با یهودیانی که قبله شان بیت المقدس است مخالف اند.^{۳۶}

مقصود از کلمه «ایل» خدا است و بیت ایل یعنی خانه خدا. این معبد در مجاورت کوهی و نخلی قرار دارد. کوه را همانند کوه عرفات دانسته و معبد را چون کعبه. و نخل را چون «عُزْی» که در وادی «بطن نخله» قرار داشت و خالد بن ولید به فرمان رسول خدا ﷺ آن را قطع کرد. چون مردم جاهلیت حج آن می کردند و نذورات و هدایا بر آن می آویختند.

فرقه سامره آداب دیگری مانند طواف و قربانی دارند و بالای آن کوه می روند و بر آن وقوف می کنند و نذورات و هدایایی برای آن درخت مقدس دارند تا حاجاتشان برآورده شود! در تورات، سفر قضا آمده: «دبوره»

همسر «فیدوت» در آن زمان دو قرن پس از موسی ﷺ، متولی حوائج بنی اسرائیل بود. دبوره زیر آن نخل که میان رمله و بیت ایل قرار داشت، می نشست و بنی اسرائیل به سوی آن می رفتند تا حاجاتشان را برآورده سازد!^{۳۷}

شایان ذکر است که دعای معروف به سمات، که از ادعیه شیعه امامیه است، به قداست این مکان اشاره دارد و به نظر می رسد که دلیل آن، تجلی عظمت خداوند برای یعقوب نبی ﷺ بوده است:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ... وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ... وَ... وَ لِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ ﷺ فِي بَيْتِ اَيْلِ).

حج به اماکن طبیعی

گروه دیگری از یهود به سوی اماکن طبیعی، چون کوه های بلند و تپه ها و اشجار و چاه ها و چشمه های آب آهنگ حج می کنند. مستند اینها پاره ای از نصوص تورات و تاسی به سنت نیا کانشان می باشد که این اماکن را تقدیس کرده و آن ها را آیات بزرگ الهی می دانسته و به وسیله آن ها به خدا تقرب می جسته اند. این نصوص برای

برخی اما کن طبیعی زمین، قداستی قائل شده است. «این‌ها فرائض و احکامی است که حفظ می‌کنید تا در زمین خدا عمل نمایید تا در تمام روزهای زندگی آن را در تصرف داشته باشید و همه اما کنی را که امت‌ها به پرستش خدایانشان پرداختند، چون کوه‌های سر به فلک کشیده و بلندی‌ها و زیر سایه درختان سرسبز ویران کنید و محلّ قربانی‌ها را نابود سازید و بت‌هایشان را بشکنید و ستون‌هایشان را به آتش کشید و تمثال خدایانشان را محو کنید و نامشان را از این مکان بزدايید و شما مانند آنها برای خدایتان عمل نکنید بلکه به جایی که خدایتان برای تبارهای شما برگزیده و به نام هریک نهاده، بروید و قربانیان و هدایا و نذورات و عبادت‌ها و گاو و گوسفندهای پکر را تقدیم کنید.^{۳۸}

این نص توراتی تأثیر عمیقی در درون برخی یهودیان نهاده که سالانه به این اما کن ویژه طبیعت - که اجدادشان متصرف شده و اهالی آن سرزمین‌ها را می‌کشتند و می‌سوزاند - آهنگ حج کنند و قربانیان و هدایا و نذوراتشان را تقدیم نمایند و همانگونه که در بخش اخیر این دستور آمده، نماز بگزارند و گوسفند و

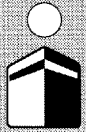
گاو بکر هدیه دهند یا قربانی کنند و آتش برافروزند و به نبرد تاریکی بروند.

چنین حجی، در حقیقت همان عادات دوران بت پرستی است که یهودیان قبل از بعثت حضرت موسی علیه السلام، اقتباس کرده و به فرزندان‌شان در طی قرون، به ارث گذاشته‌اند تا سنت‌های نژادی را پاس دارند و آب و رنگ دینی به آن بدهند.

دکتر ظاظا حسن گوید: یهود یا بنی اسرائیل از درختان و کوه‌ها و تپه‌ها و چشمه‌های آب و چاه‌ها زیارتگاه‌هایی درست کرده و به حج این اما کن می‌روند و بدان تبرک می‌جویند و معبد‌هایشان را بنا می‌گذارند...^{۳۹}

اما چشمه‌ها و چاه‌هایی که یهودیان آهنگ زیارت آن می‌کنند، مشهورترین آنها «قادش» است که مفهوم آن قداست است و در لغت عربی «عین قدیس» چشمه مقدس تلفظ می‌شود. و نیز «بئر سبع» که در صدر همه قرار دارد و در جنوب غربی غزه واقع است و سامیان پیشین بنی اسرائیل و بعضی دیگر عقیده داشته‌اند که این چاه مسکونی است یعنی موجودات نامرئی از فرشتگان و جتیان در آن زندگی می‌کنند و عدد آن‌ها هفت





می‌باشد و اگر کسی نقض سوگند کند یا به عمد دروغ بگوید بر اوست که همراه طرف مخاصم خود نزد این چاه رفته و هفت بار بر خود لعن کند تا نسلش منقطع گردد و به مرگ همه عزیزانش مبتلا شود و مال و جان و شرفش آسیب پذیرد و آواره زمین شود و گوش و چشم و عقلش را از دست بدهد.

چکیده و نتیجه گیری

خلاصه کلام: دیانت یهودی، حج را به عنوان یک عبادت با آثار مادی و معنوی می‌نگرد؛ همانگونه که دین اسلام و سایر ادیان توحیدی و غیر توحیدی چنین نگرشی به حج دارند. ولی تفاوت در ماهیت این عبادت و آداب و اعمال و شعائر و مکان و زمان آن است. هدف عمده مقاله این است که بگوید آنچه یهودیان به عنوان حج انجام می‌دهند، موافق چیزی نیست که پیامبرشان به عنوان شریعت آسمانی آورده و آن توجه خالصانه و صحیح به مکان مطلوب و زمان معین و مناسب است و واجب آن باشد.

حج از زمان خلیل، ابراهیم علیه السلام بر مردم واجب شده، چنانکه آیه کریمه **﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا**

وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ بیانگر است. این فریضه آسمانی مکان و زمان را معین ساخته و برای انجام آن شرط استطاعت را قائل شده است: **﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾**؛ «بر عموم مردم است در صورت استطاعت، حج بیت الله الحرام کنند.» این دعوت عام است و ویژه مسلمانان نیست و تنها مؤمنان یا فرقه خاص یا قبیله و نژاد به خصوص به آن مکلف نیستند و از آیه کریمه: **﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًىٰ لِّلْعَالَمِينَ﴾** استفاده می‌شود که خداوند این خانه را برای گروه‌های خاصی از بندگان قرار نداده که برکت و هدایت و رحمت و آموزش ویژه آنان باشد و دیگران محروم بمانند.

از امام موسی بن جعفر علیه السلام تفسیر آیه **﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾** را پرسیدند. حضرت فرمود: «مَنْ قَالَ لَيْسَ هَذَا هَكَذَا فَقَدْ كَفَرَ»؛ «کسی که بگوید مطلب چنین نیست که آیه مبارکه می‌فرماید، همانا کافر شده است.»

آری حج به غیر خانه خدا، از هیچ انسانی پذیرفته نیست و بدعت و



حال حق را انکار کرده و با باطل آمیخته‌اند و به مکان‌هایی که هوای نفسشان طلبد و تعصب نژادی‌شان حکم کرده، رهسپار شده و این سنت الهی را به انحراف کشیده‌اند و در توالی نسل‌ها حقیقت بر آنها مشتبه گردیده است و مقدسات حقیقی و معتقدات واقعی ضایع گشته و هواهای نفسانی نقش خود را بازی کرده است و این خصلت انسان است که اگر تحت ضابطه‌ای صحیح و زیر نظر ارشادگری صالح نباشد دستخوش هوای نفس می‌شود... خداوند همه را از انحراف نگهدار باشد!

مردود است و معنای حج حقیقی را ندارد.

خداوند در آیات کریمه قرآن، آمیختن حق و باطل را محکوم می‌کند و گمراه ساختن مردم را مردود می‌شمارد... چنانکه می‌فرماید: ﴿لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾.

و یهودیان خود می‌دانند که خداوند حج را تشریح فرموده است و نیز از قداست بیت‌الله الحرام آگاهی دارند و می‌دانند که جدشان ابراهیم علیه السلام خانه‌ای را برای بندگان خدا بنا نهاده است، با این

پیانوشتها:

۱. مقاله‌ای با این عنوان در شماره ۳۹ فصلنامه «میقات حج»، از همین نویسنده و مترجم.
۲. دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۳۰۵.
۳. عید سایه بان بندی یهود.
۴. طقوس الحج عند اليهود. د. حسن ظاظا، الفيصل، شماره ۲۱۰، ص ۱۰.
۵. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۶۵، ترجمه آزاد.
۶. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۸۵.
۷. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴.
۸. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۸۵.
۹. ازرقی، اخبار مکه، صص ۶۸ و ۶۹.
۱۰. بقره: ۶۱.
۱۱. طقوس الحج عند اليهود، الفيصل، ۱۰/۲۱۰.
۱۲. طقوس الحج، همان.
۱۳. یبوسیان اسم طایفه‌ای از کنعانیان است که در کوهستان حوالی اورشلیم سکونت داشتند و



- اسرائیلیان به هلاک نمودن ایشان مأمور بودند. قاموس مقدس به نقل فرهنگ دهخدا واژه ییوسان.
۱۴. معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۱۲
۱۵. نک: الموسوعة العربية المیسرة، ص ۴۵۴
۱۶. عهد قدیم، سفر خروج، ص ۲۹
۱۷. اليهود واليهودية. د. علی، عبدالواحد وافی، صص ۴۴ و ۴۵ و کتاب حقایق و اباطیل فوزی محمد حمید، صص ۱۴۱ و ۲۰۰
۱۸. همان. و گفتنی است که قربانی باید از غیر یهودیان باشد و به نظر آنان بهتر است که مسیحی باشد.
۱۹. نک: عهد قدیم، فصل ۲۳، فقره ۵ و ۹
۲۰. تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۲۶۴
۲۱. مانند قتل عام‌هایی که امروزه به دست صهیونیست‌های غاصب در فلسطین اشغالی انجام می‌گیرد.
۲۲. فرعون موسی، دکتر سید کریم، مجله الهلال، شماره ۵، ص ۷۳
۲۳. همان.
۲۴. به سفر خروج، عهد قدیم رجوع شود. در آنجا جغرافیای منطقه توضیح داده شده است.
۲۵. دائرة المعارف الاسلامیه، گروهی از شرق شناسان، ج ۷، ص ۳۰۶
۲۶. همان، ص ۳۱۰
۲۷. همان، ج ۷، ص ۳۰۶
۲۸. عهد قدیم، سفر تکوین، فصل ۲۵/ فقره ۱۱
۲۹. همان، فصل ۲۴، فقرات ۶۲-۶۷
۳۰. نک: الموسوعة العربية المیسرة، ص ۷۶۴
۳۱. طقوس الحج عند اليهود، الفیصل، شماره ۷/۲۱۰
۳۲. نابلس شهری است در کشور اردن هاشمی، در کنار ساحل غربی رود اردن و شش کیلومتری بیت المقدس که در آن شماری از یهودیان سامری زندگی می‌کنند. آن‌ها همواره بر مراسم عبادی و آداب قدیمی خود پای بندند. نک: الموسوعة العربية ۱۸۱۱
۳۳. الفصل فی الملل و الأهواء والنحل، ابن حزم، ج ۱، ص ۸۲
۳۴. نک: طقوس الحج عند اليهود. الفیصل شماره ۷/۲۱۰
۳۵. الموسوعة العربية المیسرة، ص ۱۸۱۱
۳۶. الملل والنحل، شهرستانی، ص ۲۰۰
۳۷. سفر القضاء، فصل ۴، فقرات ۴-۵
۳۸. سفر تثنیه، فصل ۱۲، فقره ۱-۷
۳۹. طقوس الحج عند اليهود، ص ۱۰